

امام حسین(ع) زندانی را از پای چوبه دار پایین آورد

هشت سال پیش اشتباهی کرد که تا عمر دارد از کرده خود پشیمان است؛ دست به چاقو شد و فردی را به قتل رساند. خدا می دانست که در آن لحظه عقلش فرمان درست نداده بود و دستش اشتباه عمل کرده بود. در این هشت سال بارها مردوزنده شد. خانواده واقوام همه دست به کار شدند تا از اولیای دم رضایت بگیرند، اما نشد که نشد. تا اینکه محرم امسال امام حسین(ع) دلیل دل رحنی و واسطه میان اولیای دم شد. بگذارید ادامه این روایت را از زبان رئیس دادگستری سمنان برایتان بازگو کنیم. محمدجعفر عبداللّهی در این خبر گفته است:

«به عشق امام حسین (ع) می بخشم»، ز مینه را هایی یک محکوم به قصاص نفس از چوبه دار فراهم شد. تلاش های مجدانه صلح یاران، اعضای شعبه سوم اجرای احکام کیفری شاهرو د و اعضای شورای حل اختلاف زندان آن شهرستان نتیجه بخش بود و اولیای دم مقتول با صرف نظر از حق قصاص، رضایت بی قید و شرط قطعی خود را اعلام کردند.

بنا به روایات و احادیث، مصالحه باید به یک فرهنگ عمومی بین آحاد جامعه تبدیل شود. در نتیجه از همه معتمدان و افراد صاحب نفوذ در راستای غفو و رافت اسلامی و حسینی دعوت می شود تا با انجام فعالیت های انسان دوستانه، موجبات بازگشت آبرومندانه محکومان به جامعه را فراهم کنند.

یادداشت

بهبتر زندگی کنید

فرصت زندگی کردن نعمت بزرگی است که خداوند متعال به انسان ارزانی داشته است. آدمی خلق و برای زندگی برانگیخته می شود تا بتواند آبادانی ایجاد کند، فرزندان صالح تربیت کند و در طول حیاتش در زمین، مکارم مرتکب اشتباه را به اتمام برساند. اما چه سود که بسیاری انسان ها از این فرصت مهم بهره مناسب را نمی برند و نه تنها آنچه را برای تحقق اهداف ذکر شده باید انجام دهند، فراموش می کنند، بلکه گاهی درست می گذارند. این گونه که پیش می رود، چهارصباحی که از عمر گذشت، احساس غفلت و بطالت انسان را فرامی گیرد که به واقع هدف از زندگی چه بوده است و اکنون کجای این نظام هستی قرار دارد. بسیاری از فرصت هایی که در زندگی ما هستند، در لافها مسئله، مشکل یا کار دشوار پیچیده شده اند. برای فرد آموزش ندیده ای که نمی تواند فراتر از لحظه حال را ببیند، همه فرصت ها مشکلات حل نشدنی هستند که زندگی را دشوار، پراضطراب و سخت می کنند. اینجا فرد مرتکب اشتباه می شود. به جای آنکه مسئله را چالشی برای آزمایش و تقویت اراده خود بداند، آن را «مشکل» می پندارد. کافی است دید خود را تغییر دهید، ذهن «فرصت گرا» داشته باشید و مسائل را به چشم «چالش» ببینید تا آرام آرام مغز شما برای شناسایی فرصت ها توانا شود.

تغییر ذهنیت

گذشته از اینکه اکنون اوضاع و احوالات چگونه است و روند زندگی شما به چه کیفیتی طی می شود، بازهم به نظر می رسد کنترل زندگی هر کسی دست خودش است. باور کنید حتی زمانی که همه چیز طبق برنامه پیش نمی رود، بازهم می توانیم تصمیم بگیریم که چگونه این مشکلات را حل کنیم. فقط یک مورد ساده اما درعین حال مهم مثل «تغییر ذهنیت» می تواند اثر فراوانی در کیفیت زندگی شما بگذارد. حتی وقتی احساس می کنید اوضاع از دست شما خارج شده است، بازهم باور خود را این گونه تغییر دهید که قدرت کنترل دارید. این امر واقعا سخت و پیچیده، اما کاملا دست یافتنی است. تغییر زندگی به معنی انجام کارهایی است که هرگز امتحان نکرده اید یا کارهایی که خارج از محدوده راحتی شما هستند و حتی باعث به چالش کشیدن خودتان است. ممکن است خیلی احساس سختی کنید، اما فراموش نکنید، یادگیری نحوه بهتر زندگی کردن، برای هر کسی امکان پذیر است. همه افراد علاقه مند به داشتن یک نسخه متفاوت از زندگی خود در سطحی بهتر هستند. برای برخی افراد این مورد ممکن است به معنای تسویه بدی باشد، درحالی که برخی دیگر فقط می خواهند اعتماد به نفس پیدا کنند تا هر از گاهی یک جدیدی را امتحان کنند. مدیریت ذهن به سمت توانایی ها و استعداد های شما می تواند اوضاع زندگی را به نفع شما تغییر دهد.

فعالانه زندگی کنید، نه منفعلانه

بعضی وقت ها زندگی می تواند سخت باشد، خیلی سخت! آن گونه که احساس کنید حتی توانایی نفس کشیدن ندارید. مردم به شما ضربه می زنند، برنامه هایتان را یک باره به هم می ریزند و خواسته هایتان متأثر از این اتفاقات به حقیقت نمی رسند، اما این را نباید از شما شخصیت قربانی بسازد و سرنوشتتان به بازی گرفته شود. باید ابتکار عمل را در دست داشته باشید و با صبر و آرامش در مسیر اهداف بلند خود حرکت کنید. ما بیشتر اوقات کارهایمان را به تعویق می اندازیم و آنچه را امروز می توانیم به دست بیاوریم، به فردا موکول می کنیم. مشکل به فردا انداختن کارها این است که امروز مهم در میان موارد جاری کم اهمیت فراموش می شود و مشکلات روی هم انباشته می شوند که از کاه، کوه ساخته می شود. پس مجبور می شوید که همه چیز را با هم حل کنید، درحالی که برخی مشکلات مانع فعالیت شما می شوند. منفعل بودن هیچ کاری نکردن، به این مناسست که هر پیشامدی به شما فشار می آورد و برای شما تصمیم می گیرد. فعالانه زندگی کنید. کارهایی را که باید در اسرع وقت به پایان برساند، انجام دهید تا آن ها را از ذهنتان پاک کنید و به سراغ کارهای مهم تر بروید. تا آخرین لحظه برای انجام کاری منتظر نمانید. در غیر این صورت، زندگی وادارتان می کند در مسیرهایی که دوست ندارید، حرکت کنید.



ساخت و ساز با نماز

درباره یک پروژه عمرانی که کارکنانش نماز اول وقت می خوانند

او درباره معنی حال خوبی که اشاره کرده بود، توضیحاتی می دهد که فهمیدنش برای کسانی که تجربه خواندن نماز به ویژه از نوع اول وقتش را دارند، ساده است، اینکه بعد از حرف زدن با خدا در نماز، حس آرامش، سبک شدن و راحتی عجیبی سراغ نمازگزار می آید که با هیچ حس خوب دیگری مقایسه شدنی نیست.

آقای مهندس تا تأکید می کند که همه قضیه به یک حس خوب فردی ختم نمی شود و ما چرا، ابعاد دیگری هم دارد. بعد اخلاقی و اجتماعی اش را با هم پیوند می زنم و می گوید: بر اساس تجربه ام به شما باطمینان می گویم که کنار هم ایستادن کارکنان در هنگام نماز، ارتباطات و همکاری های بعد از نماز را بیشتر و افراد را به کارکردن دل گرم می کند. همین طور ارتباط با خدا با تقویت وجدان کاری فرد، از بروز کم کاری ها جلوگیری می کند. خلاصه اش اینکه ظاهر ما چرا با واقعیت آن متفاوت است. ظاهرش این است که سی

دقیقه از وقت هر نیروی کار گرفته می شود که شاید ضرب در تعداد آن ها عدد بزرگی بشود. اما واقعیت این است که چندین برابر آن به دلیل برکات مادی و معنوی نماز، دوباره به کار تزریق می شود. او می گوید تعداد نیروهای پروژه و به تبع آن جمعیت نمازگزاران، بین بیست تا صد نفر شناور است. بستگی دارد به اینکه کار در چه مرحله ای قرار داشته باشد؛ مثلاً پروژه در مرحله سفت کاری باشد یا به نازک کاری رسیده باشد. به گفته او بیشتر کارکنان از نماز جماعت استقبال و در آن شرکت می کنند. اما برای آقای زارعی مهم تر از اینکه تعداد افراد حاضر چند نفر باشد، این است که فضا برای انجام این واجب الهی به بهترین شکل مهیا باشد و نماز جماعت در محیط پروژه اقامه شود. اصلاً به همین دلیل در محوطه کارگاه یک نمازخانه ایجاد شده است که البته بیشتر به کار زمستان ها می آید. بقیه فصل های سال مثل همین روزهایی

که در آن به سر می بریم، ترجیح جمع بر این است که تکه فرش روی زمین پهن کنند و نماز زیر سقف بلند آسمان اقامه شود. آن طور که آقای زارعی برایمان شرح می دهد، نه فقط علاقه اش به رشته عمران و ساخت مسکن، بلکه اعتقادش به نماز اول وقت را مهمون والدین به ویژه پدر مرحومش است که شرکت ساختمانی خود را پیش از انقلاب اسلامی دایر کرده بود. او عضو هیئت امنای دو مسجد بود و تأکید داشت نمازهایش را چه آن وقتی که در محل کار است و چه وقت هایی که در خانه به سر می برد، در نزدیک ترین مسجد به جماعت ادا کند.

این پروژه صد واحدی که به دست نیروهایی نماز اول وقت خوان در حال احداث است، مبارک یکایک متقاضیانش باشد. نیمی از صاحبان این منازل را مدمجویان کمیته امداد و بهزیستی و خانواده رزمندگان معسر تشکیل می دهند.

ناظر پروژه، کارگر، نیروی دفتری، مهندس اجرایی، انباردار و... همه این عناوین برای پیش از اذان است. خورشید که در میانه آسمان قرار بگیرد، اسم و رسم های دنیایی را می گذارند برای دنیا و کارهایشان را به مدت سی دقیقه زمین می گذارند تا به کاری بسیار مهم تبر برسند؛ اینکه با خدا صحبت کنند، اسدا... آن هم نه به صورت جدا جدا، بلکه شانه به شانه همدیگر و خدا می داند که چقدر حالشان بهتر می شود بعد از اقامه این نمازهای جماعت اول وقت.



روزنامه نگار
فرزانه شهبان

گزارش روز

روایت کوتاهی که خواندید، مربوط به ماجرای زیبا و تکرار شونده است که از سوی کارکنان یکی از پروژه های عمرانی شهر بیلالود واقع در ۷۲ کیلومتری مشهد، هر روز ظهر رقم می خورد. اسدا... زارعی، مدیر سی و شش ساله این پروژه و بانی اقامه این نمازهای دسته جمعی در محیط کارگاه است. او که رشته مهندسی عمران را تا مقطع کارشناسی خوانده است،

پرداخت وجه در ازای هیچ

میان سال است، مثل بسیاری دیگر از افراد، به دلایلی موجه درصدد ازدواج مجدد بوده است که در یکی از شبکه های اجتماعی با گروهی آشنا می شود. پس از ثبت درخواست، عکسی برایش ارسال می شود و می گویند برای دریافت شماره تماس و ارتباط با آن خانم، باید حق معرفی واریز کند. او می گوید: وقتی حق معرفی را واریز کردم، شماره تماس خانمی را در اختیارم گذاشتند که با هم صحبت کردیم و آن قدر همه شرایط مناسب بود که جای هیچ تردیدی برایم باقی نماند و اصرار داشت که حتماً پیگیر عقد باشم، اما با اینکه در کانال صرفاً حق معرفی قید شده بود، برای انجام عقد ۴۰۰ هزار تومان دیگر (به جز مهریه) از من طلب کردند و آن موقع بود که متوجه کلاهبرداری آن ها شدم. ولی از ترس آبرو و تمسخر اطرافیانم نه تنها پیگیری نکردم، بلکه از خیر شکایت کردن هم گذشتم.

کاربر دیگر اما به این سادگی در دام این گروه ها نیفتاده و پیش از ثبت درخواست کمی جست و جو کرده است. وی تأکید می کند که پس از پیگیری محتاطانه از چند کانال متوجه شدم مدیران آن ها به محض اینکه می بینند اطلاعات متقاضی درباره مراحل کارشان زیاد شده است و از فریبکاری آنان آگاه شده اند. دیگر پاسخگوی متقاضی نیستند تا برایشان دردرس نشود. وی ادامه می دهد: شگرد کانال های همسریابی این است که کلاهبرداران بعد از دریافت وجه، نام و تصویر پروفایل ها را تغییر می دهند و متقاضیان هم از ترس آبرویشان پیگیری نمی کنند و آنان را رها می کنند و همین اتفاق، حاشیه امنی برای شیادان ایجاد می کند. چند شب گذشته کانالی را پیدا کردم که مال باختگان برای افشاکاری کردن ترغند کلاهبرداران، ایجاد کرده بودند که دست کم ناآگاهان دیگر را از خواب غفلت بیدار کنند. بماند که حتی صرف عضو شدن افراد در این کانال های معلوم الحال دردسرساز است و در مواردی شاهد بودیم که خانم ها مشاهده این کانال ها در تلفن همراه همسرش، درخواست طلاق داده است.

با وجود این، مدتی پیش با پیگیری پلیس فتا، پشتیبان های این کانال ها که عده معدود و مشخصی بودند، در یکی از شهرستان های مجرم استان، شناسایی و دستگیر شدند. اما با توجه به استقبال مردم، درآمدزایی عجیب و نامحدودشان هنوز هم با سوء استفاده از ترغند همسریابی، بهترین راه برای کلاهبرداری است.

کاربران فضای مجازی از تجربه تلخ عضویت و اعتماد به کانال های همسریابی می گویند

اینجا کسی جوابگو نیست!

گزارش روز

این رسم شبکه های اجتماعی است؛ دسترسی آسان و ظاهر اغواگرانه. با یک جست و جوی ساده هر واژه، کانال خودش را خواهد یافت، به ویژه غیرمجازها را. آن ها که این شبکه ها را هدایت می کنند، از جنس مخاطبان خود خبر دارند و روش به دام انداختنشان را خوب بلدند، به ویژه در موضوعی مانند همسریابی، بازار کلاهبرداری سال هاست که حساسی داغ است. در این موضوع هزاران کانال و گروه و حتی سایت وجود دارد. عضو شدن در آن ها هم آسان است، وقتی ببینید چند هزار نفر عضو دارند، حتماً به کارشان اعتماد می کنید؛ ما نمیدانیم که آیا این اعتماد

گزارش روز

روزنامه نگار
فرزانه شهبان

می کنید؛ ما نمیدانیم که آیا این اعتماد

کردند، پول از دست دادند و گاه آبرو. پای آبرو که به میان آمد، اجازه دادند کلاهبرداران حسابی جیبشان را خالی کنند و با خیال آسوده بروند دنبال شکار بعدی. کانال های همسریابی یکی از پراسب ترین گروه های شبکه های اجتماعی هستند که هر روز قربانیان جدیدی دارند؛ قربانیانی که توان شکایت و مقابله با آن ها ندارند.



بدون پروانه هستند

برخی کانال ها برای اطمینان دادن مشتری اولین مطمئن ترین راهکار نشان دادن برگه مجوز یا پروانه کاری خود می دانند و بسیاری به همان تصاویر اعتماد می کنند. پیرو انتشار تصاویری از پروانه های کسب با موضوع ازدواج موقت از طرف اتحادیه کشوری کسب و کارهای مجازی، روابط عمومی این اتحادیه به صدور چنین

پروانه هایی را تکذیب و تأکید کرد که «تاکنون پروانه کسبی در این رشته و موضوع صادر نشده است». این اتحادیه در دوازده رشته و بیش از چهل موضوع پروانه کسب صادر می کند که همسریابی در هیچ یک از این موضوعات نمی گنجد.

اقدامات مجرمانه است

همچنین، طبق اعلام سرهنگ رامین پاشایی، معاون فرهنگی اجتماعی پلیس فتا، بیش از ۸۰ درصد کانال های همسریابی دروغ هستند و هیچ خدمتی ارائه نمی دهند، یعنی مبلغ را می گیرند و بعد فرد را بلاک می کنند و با توجه به اینکه احتمال می دهند این افراد شکایت نمی کنند، به راحتی به کلاهبرداری خود ادامه می دهند. او ادامه می دهد: هیچ کانال و صفحه ای با عنوان همسریابی یا صیغه یابی مجوز قانونی ندارد و از نظر پلیس فتا اقدامات همه صفحات و کانال هایی که با این عناوین فعالیت می کنند، مجرمانه است. برخی از این سایت ها و کانال ها در تبلیغاتشان بیان می کنند که از پلیس فتا مجوز دارند یا به فلان مرجع یا حوزه وابسته اند، در صورتی که در بررسی ها مشخص شده است هیچ گونه مجوزی ندارند. حتی برای تبلیغاتشان و معرفی گزینه ها، از عکس و تصاویر موجود در صفحه افراد عادی سوء استفاده می کنند. ترغند آنان این است که عکس خانم ها را از روی صفحات شخصی آنان برمی دارند و به عنوان گزینه ازدواج در صفحه صیغه یابی خود قرار می دهند، در صورتی که فرد صاحب عکس هیچ اطلاعی از این ماجرا ندارد و با مشاهده تصویرش در این صفحات، نگران می شود. به گفته سرهنگ پاشایی، با دانستن همه این موارد نکته مهم این است که مال باختگان آگاه باشند که پلیس می تواند به آن ها کمک کند، چرا که با حفظ محرمانگی، موضوعات کلاهبرداری در زمینه صفحات صیغه یابی و همسریابی بررسی و با مجرمان و کلاهبرداران برخورد می شود. کاربران می توانند در صورت روبه رو شدن با چنین مواردی، مراتب را به شماره تلفن ۰۹۶۳۸۰ اطلاع دهند یا برای ثبت گزارش به سایت رسمی پلیس فتا به نشانی www.cyberpolice.ir مراجعه کنند.

به آسانی اعتماد نکنیم

فضای مجازی حالا جزئی از زندگی روزمره و گاه محل درآمد ما به حساب می آید، اما در کنار فواید پرشمارش، چالش ها و آسیب های مهمی نیز به همراه دارد، مانند چاقویی که در دست پزشک، درمان است و در دست اوباش، وسیله جرم. این فضا با توجه به گستردگی اش به صورت کامل قابل نظارت و کنترل نیست، به همین دلیل همیشه افراد سودجو در آن جولان می دهند. تنها راه مصونیت از خطرات، افزایش آگاهی و سواد رسانه کاربران است تا قریب تر تبلیغاتی را نخورند و از خطرات رسانه ای آگاه شوند. در واقع به جای محدودیت باید مصونیت ایجاد کرد، در غیر این صورت محدودیت و فیلتر شدن افراد را از روش های غیرقانونی دیگر به سمت فضای مجازی جذب می کنند.